



۲۰۲۴/۰۱/۲۶

سید هاشم سدید

هر هنری را می جویی، در سر زمین ایران بجوی

همسایگان ایرانی ما سال ها قبل فیلمی ساخته اند، به نام «مارمولک»، که اگر از حق نگذریم، فیلمی ست قابل دیدن و آموزنده .

سوره فلم، در واقع، تلاشی ست برای غالب ساختن خیر بر شر و مساعد ساختن فضای گفتگوی سازنده میان جامعه و دولت، که دین پرور و دینخو و حرف ناشنو و تکرر و مستبد است.

فلم شاید چیزی بیشتر از چهل سال قبل ساخته شده باشد، اما تبصره های مثبت و براننده در باره آن، طوری که دیده می شود، در میان ایرانیان هیچ تمامی ندارد .

واقعا"، اگر کسی نداند، که این فلم از روی یکی از فلم های نسبتاً خوب هالیوود، به هنرمندی کلین ایست وود، کاپی یا اقتباس شده است، هم فلم را و هم بازیگر، آقای پرویز پرستویی را تا می تواند تحسین و تمجید می کند؛ اما از شناس بد دوستان ایرانی ما، دنیای ما، همانگونه که گفته اند و می گویند، بسیار زیاد کوچک شده است؛ آنقدر، که دیگر ممکن نیست اتفاقی، ولو خیلی ها کوچک در دورترین جایی از کره زمین، رخ بدهد و کسی از آن بی خبر بماند .

فلمی که فلم مارمولک از روی آن ساخته شده است، و من متأسفانه نام آن فلم را فراموش نموده ام، چون سال ها قبل از تهیه شدن فلم مارمولک آن را دیده بودم، براستی یکی از فلم های جذاب و دیدنی هالیوود بود .

داستان فلم چنان است که کلین ایست وود، که در واقع دزدی شارلاتان و قلاشی بیش نیست، از زندان شهر کوچکی از یکی از ایالات امریکا فرار می کند و برای پوشاندن نقطه تاریک زندگی خویش و گم کردن رد پای خود، مجبور می شود لباس یک کشیش - یک مرد روحانی - را به تن کرده برای فرار از امریکا سوار ترنی که به سوی مرز مکزیک روان است، شود .

پولیس باهوش آن شهر کوچک که قرار است او را دو باره به زندان برگرداند، اما می داند که این فراری هزار چهره و شیاد، می خواهد به هر شکلی که شود، خود را به مرز برساند و از امریکا فرار کند .

بنابراین او نیز از همان راه و مسیری که گمان می کند دزد فراری می خواهد خود را به مکزیک برساند، به تعقیب وی می پردازد .

در کویه ترن دو زن از دهی چند کیلو متر دورتر نشسته اند، که از قضاء ده شان منتظر آمدن کشیش جدیدی به آن ده است.

یکی از زنان به گمان اینکه این روحانی، همان روحانی ای ست که قرار است به ده آن ها بیاید، سر سخن را با او باز می کند .

ساعتی نمی گذرد که چند نفر دیگر از همان ده دور کشیش تقلبی جمع می شوند و بالاخره با رسیدن ترن به ده، این ها و کسانی که در ایستگاه ترن منتظر تشریف آوردن کشیش جدید هستند، او را با استقبال گرم و شایانی به کلیسای ده می برند و به دیگر معرف می نمایند .

قصه کوتاه، جناب دزد فراری ما، که در تمام عمرش یکبار هم انجیل، کتاب مقدس عیسویان را باز نکرده و یک صفحه ای از آن را نخوانده است، مردی می شود که غیر از نام و کلام خدا و نیکی و خوب بودن و بزرگی و بخشیدن و...، یک کلمه بر زبان نمی آورد؛ فرشته ای به تمام معنا !

مردم ده هم به او ارادت و محبت عجیبی پیدا کرده اند و هر لفظی را که از دهن او خارج می شود، با جان و دل می خرنند .

آن طرف پولیس ما، بالاخره هی میدان و طی میدان، خود را به او می رساند، اما با دیدن او و شنیدن قصه های باور نکردنی اش، چون هدفش نابودی شر است نه آدم شریر، تصمیم می گیرد او را آزاد بگذارد تا اگر خواسته باشد، از مرز عبور کرده خود را به مکزیک برساند .

فلم مارمولک، ساخته فلم سازان دوستان ایرانی ما، همانگونه که همه داشته های شان بر بنیاد قصه و افسانه و خودپرستی و از خویش خواندن داشتهها و ساخته های دیگران قرار دارد، برطبق نظر اینها شاهکاری ست تراوش یافته از ذهن خلاق ایرانیان، که باید جایزه اسکار می گرفت، اما ای داد و بی داد از خلق و خوی بد و بی انصافی های آمریکایی ها که حتی دیده ندارند دل این دوستان ما را با اهدای یک جایزه ناچیز هم که شده است، شاد سازند!

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ